

A survey on the stand of Muslim thinkers on Darwin's theory of evolution from 19th century to the contemporary era

Mohammad Kazem Shah Abadi^{*}, Sarbaz Rouhollah Razavi^{}
Seyyed Hasan Eslami Ardakani^{***}**

Abstract

Darwin's theory of evolution caused a great challenge between science and religion firstly among the Christians and aftermath Muslims. As a result, Muslim thinkers were forced to express their approach on this controversial issue. In this article, an attempt has been made to collect the stands of Muslim thinkers from late 19th century to the contemporary era in order to observe the possible changes in their stands towards the Darwin's theory of evolution. There have been different approaches towards the theory throughout less than a couple of centuries that can be divided into three categories: • Those who completely rejected the theory of evolution finding it in a total contradiction with Islam • Those who have not accepted it absolutely having serious criticisms of it, meanwhile believing that there is way to accept the theory with some exceptions • Those who have fully accepted the theory and find no contradiction between the Darwin's theory and Islam Surveying these opinions and stands during the mentioned period shows that: Firstly, the debate on Darwin's theory is still going on and currently there is no absolute hegemony of one of the above mentioned stands on others.

* PHD Candidate of Religious studies, University of Religions and Denominations (corresponding author),
mkshahabadi@gmail.com

** PHD Candidate of Religious studies, University of Religions and Denominations, roohulla@gmail.com

*** Professor in Theology - philosophy of religion and new theological issues, full professor of the University
of Religions and Denominations, Faculty of Religions, eslami@urd.ac.ir

Date received: 2023/04/15, Date of acceptance: 2023/08/31



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

Secondly, as moving towards the contemporary era, more Muslim thinkers are preferring the second point of view, believing that there is a way to accept the theory with some exceptions of course.

Keywords: Darwin's theory of evolution, evolution, Muslim thinkers, science and religion, Islam and religion



جریان‌شناسی تاریخی دیدگاه اندیشمندان مسلمان درباره نظریه داروین

محمد کاظم شاه آبادی*

سرباز روح الله رضوی**، سید حسن اسلامی اردکانی***

چکیده

با انتشار نظریه تکاملی داروین، ابتدا در دنیای مسیحیت سپس در جهان اسلام چالش بزرگی میان علم و دین بوجود آمد و در نتیجه اندیشمندان مسلمان ناگزیر از بیان رویکرد خود در این موضوع شدند. در این مقاله مهمترین موضعگیری‌های علمای مسلمان از اولین رویکردها که هم عصر داروین بوده تا نظرات معاصرین را جمع آوری شده. به صورت کلی می‌توان این رویکردها را به سه دسته تقسیم نمود: الف) گروهی که نظریه تکامل را کاملاً رد کرده‌اند، ب) گروهی که هر چند آن را به صورت مطلق نپذیرفته‌اند و نقدهای جدی به آن دارند اما راهی برای قبول آن باز نموده و یا برای آن استثناء قائل شده‌اند و ج) گروهی که آن را کاملاً تأیید نموده‌اند. بررسی این آرا نشان می‌دهد که اولاً موضع و بحث بر سر نظریه داروین کماکان جریان داشته و کنکاش علمی در این باره هنوز مسدود نگشته و ثانیاً از میان سه دسته نظرات فوق‌الذکر، اندیشمندان مسلمان بیشتری رجحان به سوی دیدگاه دوم داشته‌اند و تلاش کرده‌اند راهی برای قبول این نظریه در کنار باورمندی به نصوص و باورهای دینی باز بگذارند و البته از پذیرش قطعی این نظریه نیز اجتناب کنند.

* دانشجوی دکتری دین پژوهی دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی (نویسنده مسؤول)، mkshahabadi@gmail.com

** دانشجوی دکتری دین پژوهی دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی، roohulla@gmail.com

*** دکتری کلام گرایش فلسفه دین و مسائل جدید کلامی، استاد تمام دانشگاه ادیان و مذاهب، هیات علمی گروه

دین پژوهی، eslami@urd.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۹



کلیدواژه‌ها: نظریه تکامل داروین، فرگشت، اندیشمندان مسلمان، تعارض علم و دین، اسلام و غرب

۱. مقدمه

با انتشار نظریه داروین در باب تحول انواع، باورمندان به ادیان آسمانی با چالشی بزرگ مواجه شدند چراکه نظریه جدید که مورد استقبال فراوان هم قرار گرفته بود با برداشت‌های عمومی از کتب مقدس در تعارض بود. عالمان مسیحیت که به دلیل ظهور این نظریه در جغرافیای کشورهای مسیحی خط مقدم این چالش بودند به مقابله با این نظریه پرداختند. در این میان نیز برخی نویسندگان از این نظریه برای افکار ماتریالیستی خود بهره بردند و نظریه را حجتی بر عدم وجود خدا و بطلان ادیان بیان داشتند. این نظریه در برخی جوامع اسلامی نیز با سیل تبلیغات ضددینی گسترش پیدا کرد و بالتبع، علمای مسلمان نیز به فراخور حالشان موضع گیری‌هایی نسبت به آن ابراز داشتند.

از لحاظ موضع اتخاذ شده، می‌توان اندیشمندان مسلمان را به سه دسته کلی تقسیم بندی کرد:

گروه نخست نظریه تکامل را با صراحت و قاطعانه رد کرده‌اند؛

گروه دوم هرچند نظریه را به صورت مطلق نپذیرفته‌اند و نقدهای جدی به آن دارند، راهی برای قبول آن بازگذاشته‌اند و یا استثنائاتی برای آن قائل شده‌اند.

گروه سوم نیز نظریه را کاملاً مورد قبول دانسته و آیات و روایات دینی را به نفع دیدگاه این نظریه تفسیر و تاویل کرده‌اند.

از منظر تاریخی و زمانی نیز می‌توان ۱۶۳ سال گذشته از زمان طرح نظریه داروین را به سه دوره کلی ذیل تقسیم بندی کرد:

از ۱۸۵۹ (زمان انتشار نظریه) تا دهه سوم قرن بیستم

از دهه سوم قرن بیستم (افزایش شواهد علمی به نفع نظریه داروین) تا دوران پیش از

معاصر (نیمه دوم قرن بیستم)

دوران معاصر (از نیمه دوم قرن بیستم به بعد)

در این مقاله تلاش شده است نظرات اندیشمندان مسلمان از دوره زمانی نخستین (همزمان

با داروین) تا زمان معاصر در دسته‌بندی مواضع سه گانه مطرح شده، مورد بررسی قرار گیرد تا

روشن شود که تغییرات مواضع و آرا اندیشمندان مسلمان خلال ۱۶۳ سال گذشته چگونه بوده است. مقالات و کتب متعددی به بررسی نظریات اندیشمندان در موضوع فرگشت پرداخته اند؛ همچون کتاب اسلام و تکامل (شعیب احمد ملک)، کتاب مواجهه با داروین (عادل زیادات، ۱۳۹۶) که به نخستین برخوردها با نظریه تکامل داروین در شرق مسیحی و اسلامی پرداخته، کتاب موضع علم و دین در خلقت انسان (احمد قراملکی، ۱۳۷۳) که نویسنده به وجوه تعارض نظریه با دین مسیحیت و اسلام پرداخته و به طرح و بررسی شش دیدگاه اندیشمندان مسلمان درباره این تعارض پرداخته است، مقاله پیامدهای الهیاتی نظریه تکاملی و پاسخهای ایرانی (سید حسن اسلامی، ۱۳۹۲) که در آن به بررسی سه دیدگاه میان دانشوران معاصر ایران و درس‌هایی که از این مواجهه می‌توان آموخت پرداخته است و مقاله مواجهه فیلسوفانه مطهری با نظریه تکاملی داروینی (سید حسن اسلامی اردکانی، ۱۳۹۵) که نویسنده به مقایسه و تفاوت رویکرد فیلسوفانه مطهری با سایر اندیشمندان توجه نموده است. آنچه که این مقاله را از این آثار ممتاز می‌کند تحلیل جریان شناختی تاریخی و بیان سیر تطور این نظریه در بیان نظریات پیش از سی اندیشمند مسلمان می‌باشد.

۲. اندیشمندان مسلمان مخالف نظریه تکامل

۱.۲ دوره نخست

۱.۱.۲ جمال‌الدین اسدآبادی (۱۸۳۸م)

وی احتمالاً نخستین اندیشمند مسلمانی است که نظریه داروین را رد نموده است. او در کتاب رساله نیچریه خود که بعد توسط شاگردش محمد عبده به عربی تحت عنوان الرد علی الدهرین ترجمه گردید به رد دیدگاه ماده‌گرایان و طبیعت‌باوران پرداخته است. اسدآبادی این کتاب را در سال ۱۸۸۱ و در زمانی نگاشت که در هندوستانی که مستعمره انگلستان بود زندگی می‌کرد و طبیعت‌گرایی توسط سید احمد خان به هندوستان رسیده بود. از نظر وی طبیعی‌باوران "در هر امتی که پیدا شدند، اخلاق آن امت را فاسد کرده و سبب زوال آن شده‌اند".^۲ به عقیده او، اتحاد امت اسلامی برای مقابله با خطر قدرتمند شدن غرب لازم است و قدرت غرب نیز به خاطر دانش ایشان است و کتاب نیچریه او بخشی از برنامه‌اش برای بیداری مسلمانان است و لذا به دفاع از دین و خدا باوری پرداخته است. اسدآبادی احتمال بسیار زیاد آثار داروین را نخونده بود و به خاطر همین درک صحیحی از نظریه او نداشته است. به همین

جهت نقدهایش به داروین بی ربط است ولی احساسات مذهبیون را برمی‌انگیزد. او بعدها موضعش نسبت به داروین نرم تر شد و نظریه تکامل را از مادی‌گری جدا نمود.^۳

۲.۱.۲ بلاغی (۱۸۶۵م)

بلاغی رساله ۱۱۰ صفحه‌ای انوارالهدی را در رد شبهات ناشی از رواج نظریه تکاملی داروین که مستند الحاد جدید در جهان عرب قرار گرفته بود نوشته است. وی از داروین‌نیم فراتر رفته و به همه اشکالات مادی‌گری اشاره می‌کند و پاسخ آن را بیان می‌نماید. کتاب در شکل پاسخ به نامه یکی از مرعوبان شبهات است که نویسنده، ریشه آن را در نوشته‌های شبلی شمیل می‌یابد. کتاب اصل انواع داروین و بخنور را خواننده است و ظاهراً درک درستی از نظریه پیدا کرده است. بیان او فلسفی است و کمتر وارد مباحث علمی می‌شود.

۳.۱.۲ محمدعلی سنقری حائری (۱۸۷۶م)

سنقری حائری صاحب کتاب مرآت العقل از علمای قرن ۱۹ نیز جز کسانی بود که در رد مادی‌گری به تفصیل به نظریه تکامل پرداخته است اما درک دقیقی از نظریه نداشته است می‌گوید:

هیچ عاقلی را تأمل نیست در بطلان این خرافات، و این حقیر در هنگام نوشتن رساله مرآت العقل در اصول دین مبین، وقت را اشرف از آن دیدم از تعرض به مقاله اینان؛ ناگاه از طرف جمعی جداً اشاره شد که مختصری به ابطال این مقالات بنگارم.

روش خاص مؤلف آن است که پس از ارائه دلایل عقلی و فلسفی می‌کوشد برای ساده‌سازی موضوع و مثال آوردن برای درک بهتر مخاطب، از حکایت و داستان استفاده کند. درباره انسان نیز چنین آورده است: "... و گویند انسان نیست مگر حیوانیکه به ناموس انتخاب طبیعی ترقی کرده تا بر میمون غالب شد و دارای ادراک شد و گرنه اصل او میمون بود."

۲.۲ اندیشمندان دوره دوم

۱.۲.۲ شیخ محمد سعید رمضان البوتی (۱۹۲۹م) - Muhammad Said Ramadan Al-

Buti

نخستین نقد مرحوم شیخ رمضان البوتی به نقد علمی نظریه تکامل باز می‌گردد و اظهار این مدعا که نظریه تکامل اساساً علمی نیست و تنها یک نظریه است. نقد دوم وی به این دیدگاه باز

جریان‌شناسی تاریخی دیدگاه اندیشمندان ... (محمدکاظم شاه آبادی و دیگران) ۶۵

می‌گردد که طبق نصوص دینی حضرت آدم خلق شده است و انسان اشرف مخلوقات خداوند است و تمامی خلقت در خدمت انسان قرار دارد. بدین ترتیب انسان ریشه‌ای در فرآیند تکاملی نداشته و با انضمام غیر قطعی دانستن نظریه تکامل، وی منکر این نظریه می‌شود.^۴

۲.۲.۲ محمد شهاب الدین ندوی (۱۹۳۱م) Mohammad Shihabuddin Nadvi

متکلم هندی مسلمان محمد شهاب الدین ندوی نیز از جمله منکران سرسخت نظریه تکامل است. وی مدعی شده بود که تکامل خرافه بوده و طرح توطئه‌ای صهیونیستی از سوی یهودیان است:

... هرچند که داروین یهودی نبود اما نظریه تکامل وی در راستای اهداف یهودیان بود. برای همین یهودیان تبدیل به مبلغان اصلی این نظریه شدند. انتشار داروینسیم و مارکسیسم دارای اهمیت بالایی در طرح صهیونیست‌ها بود و به همین سبب در پروتکل‌های ایشان بعنوان بخشی اجباری قرار گرفت.

وی همچنین در باب داستان خلقت حضرت آدم باور دارد که آدم یک شخصیت تاریخی بود و اگر قرار باشد داستان خلقت مربوط به وی نمادین تفسیر شود دیگر چه مانعتی از تفسیر نمادین دیگر پیامبرانی وجود خواهد داشت که نامشان در آیات قرآن در کنار آدم آمده است.^۵

۳.۲ اندیشمندان معاصر

۱.۳.۲ سید حسین نصر (۱۹۳۳م)، عثمان بکر (۱۹۴۶م) & Seyyed Hossein Nasr & Osman Bakar

سید حسین نصر ایرانی آمریکایی و عثمان بکر اندیشمند مسلمان مالزیایی و از شاگردان سید حسین نصر است. این دو اندیشمند هم در زمره خلقت‌گرایان تلقی شده و یکی از نقدهای بنیادین ایشان به نظریه تکامل وجود گونه از مکانیزم تصادفی در دل نظریه تکامل است لکن نقد اساسی این دو اندیشمند به نظریه تکامل در سطح متافیزیکی است. سید حسین نصر باور دارد که جوهر اشیا تغییر نمی‌کند و ثابت است. وی اظهار می‌دارد:

مثلث مثلث است و اینگونه نیست که چیزی تکامل یافته و مثلث گردد. تا زمانی که چیزی که مثلث نیست تبدیل به مثلث شود، نمی‌توان آن چیز را مثلث نامید. حتی اگر سه خط مجزا از هم داشته باشیم که یک میکرون از هم فاصله داشته باشند نمی‌توان آن را

مثلث نامید. تنها یک مثلث است که مثلث است. گونه های حیات هم هر کدام یک مرحله نهایی برای خودشان دارند.

عثمان بکر هم پارادایم حسین نصر را با بیان مفهوم تکامل عمودی در قبال تکامل افقی اینگونه تبیین می کند:

گونه های مختلف جانوری در مرحله ای قبل از مرحله دنیا مادی در حالت های غیر فضایی و با ماده ای خاص از قبل موجود بودند. این حالت ها در هر ظرفی که قابلیت وجودی آنها را در دنیا مادی داشته باشد تنزل می یابند ... این پیدایش عمودی گونه های مختلف است که در تقابل با پیدایش افقی گونه ها از یک تک سلول منطبق بر زیست شناسی مدرن است^۶

البته این دو نقد های فلسفی هم به نظریه تکامل دارند که به طبیعت گرایی و تقلیل گرایی بر اساس نظریه تکامل مربوط می شود. سید حسین نصر باور دارد که نظریه تطابق با باور به خداوند در تعارض است:

واضح است که انسان حیات پیچیده تری نسبت به میمون دارد هرچند که برخی ویژگی های میمون را نیز داراست اما این بدان معنا نیست که انسان از میمون تکامل یافته. تمام مشکل اینجاست. اگر شما در گفتمان جان شمولی رفتار کنید که طبق علم مدرن همه چیز مادی است، دیگر چاره ای نمی ماند بجز اینکه قبول کنیم گونه های برتر حیاط از گونه های پست تر تکامل یافته اند و آنها را می توان به توده های مادی تقلیل داد. اما اگر در دنیایی زندگی کنی که قدرت خلاقیت خداوند را می پذیری ... دیگر ساده خواهد بود که قبول کنی قدرت خلاقیت خداوند می تواند همه چیز از جمله گونه های حیات را ایجاد کرده و به آنها حیات ببخشد و انسان نیز روح عطا کند.^۷

مشاهده می شود که سید حسین نصر باور به خداوند خالق را در تعارض با اندیشه تکامل می یابد. مع الوصف مشکل اصلی حسین نصر و شاگردان و دنبال کنندگانش در مخالفت با نظریه تکامل به مبنای متافیزیکی و جهان بینی اش باز می گردد و حتی اگر پاسخی به نقدهای فلسفی ارائه شده توسط وی داده شود و ثابت گردد که فی المثل باور به خداوند تعارضی با نظریه تکامل ندارد، اما نقد مبنایی و متافیزیکی و جهان بینی وی کماکان پابرجاست.

۲.۳.۲ مظفر اقبال (۱۹۵۴م) Muzaffar Iqbal

مظفر اقبال نیز از جمله خلقت‌گرایان بوده که نقد جدی و اساسی وی به نظریه تکامل به تقابلی هست که وی میان دو مفهوم طراحی و تصادف مدنظرش دارد. وی اظهار می‌دارد:

یکی از ویژگی‌های بنیادین نظریات مختلف تکامل وابستگی آنها به تصادف بعنوان یک ابزار تکامل در عوض طراحی است. اگر بتوان ثابت کرد که طراحی ای در ظهور گونه‌های مختلف (یا اعضای منفرد) وجود نداشته و هر گونه یا عضو از طریق تدریج متکامل می‌شوند، آنطوری که داورین پیشنهاد می‌کند، در اینصورت می‌توان نه تنها طراحی که طراح را نیز منکر شد. با این حال اگر بتوان در نقطه مقابل نشان داد که امکانی برای تکامل تصادفی اندام و گونه‌ها به دلیل پیچیدگی آنها وجود ندارد، نظریه تکامل شکست خواهد خورد.

وی همچنین شدیداً منتقد کسانی است که تفسیرهایی تکاملی از آیات قرآن ارائه می‌کنند و باوری به نمادین بودن داستان آدم و خلقت ندارد. مظفر اقبال این تفسیرها را در تعارض با باورهایی ۱۴۰۰ ساله مسلمین می‌داند.^۸

۳.۳.۲ محمدحسین طباطبائی (۱۹۰۴م)

طباطبائی از برجسته‌ترین عالمان دینی شیعه به رد علمی تکامل می‌پردازد. وی تکامل را فرضیه‌ای می‌داند که دلیل خاصی بر اثبات آن بیان نشده است^۹ به همین خاطر معتقد است که میان دین و نظریه تکامل هیچ تعارضی وجود ندارد. وی بر این باور است که دلایل علمی اعم از شواهد فیزیولوژیکی، آناتومی تطبیقی، جنین‌شناسی حیوانات، فسیل‌شناسی و ... از اثبات مدعایشان عاجز است.^{۱۰} طباطبائی با روش معرفت‌شناسی به رد قطعی نظریه تکامل و با روش تفسیری به تأیید قطعی نظریه‌ی ثبات انواع پرداخته است.

۴.۳.۲ ذاکر نایک (۱۹۶۵م) Zakir Naik

نخستین چهره اسلامی مطرح در این بررسی؛ ذاکر نایک است. ذاکر نایک شاگرد چهره نام‌آشنای دعوت اسلامی در دهه‌های گذشته یعنی احمد دیدات است که در نوع ارائه مباحث نیز شدیداً متأثر از متد و روش احمد دیدات است. وی اهل کشور هندوستان بوده و در دوران حضورش در این کشور شبکه تلویزیونی پیس تی وی را اداره می‌کرد. بدلیل مشکلات رخ داده برای وی، او در حال حاضر در کشور مالزی به سر می‌برد و در برنامه‌های علمی و

مناظراتی و سخنرانی متعددی در سرتاسر دنیا شرکت می‌کند. ذاکر نایک به گروه خلقت گرایان تعلق داشته که مخالف نظریه تکامل است.

ذاکر نایک در سخنرانی‌های متعددی حتی به اعجاز علمی قرآن بر اساس علم روز استناد می‌کند اما نگاهش به نظریه تکامل این است که این نظریه از جنس فکت‌ها و واقعیات علمی نیست. وی در دفاع از اعجاز علمی قرآن تاکید می‌کند آنچه بعنوان موارد متعددی از مکاشفات علمی و تطابقش با قرآن ارائه می‌کند حقائق یا fact علمی بوده و از این باب متقن است. مثلاً وی اینکه ماه از خود نوری ندارد و نورش بازتاب نور خورشید است را یک فکت علمی جدید می‌داند که در قرآن مورد اشاره قرار گرفته. وی از این رو مدعی است که تنها آن دسته از مسائل علمی را می‌پذیرد که فکت یا واقعیت ثابت شده علمی باشند نه ظنیات و تئوری‌های ثابت نشده. طبق آنچه گفته شد ذاکر نایک در زمره آن دسته از علمای اسلامی قرار می‌گیرد که از اساس منکر نظریه علمی بودن تکامل است.^{۱۱}

۵.۳.۲ شیخ معبود (Shaikh Mabud) (۱۹۹۲م)

شیخ معبود یکی دیگر از علمای اسلامی مخالف نظریه تکامل است که اختلاف نظر او بر محوریت نصوص قرآنی و مخالفت این آیات با نظریه تکامل می‌گردد. وی اظهار می‌دارد که قرآن مخالف تکامل چه تکامل گیاهان، چه حیوانات و چه انسان است. در باب گیاهان شیخ معبود مدعی است که هیچ آیه‌ای از آیات قرآن ولو بشکل غیر مستقیم اشاره‌ای به تکامل گیاهان ندارد:

... حتی یک آیه در قرآن وجود ندارد که حتی بشکل غیر مستقیم به تکامل اشاره داشته باشد.

در مورد حیوانات نیز وی همین ادعا را داشته و اظهار می‌دارد:

اگر ما تکامل سلسله حیوانات را بپذیریم ... باید انسان‌ها را نیز شامل خط حیوانات کنیم. اما اگر چنین کردیم، ما در تعارض با قرآن قرار خواهیم گرفت. ... همچنین وقتی قرآن به صراحت نمی‌گوید که انسان یا گیاهان تکامل یافته‌اند، چرا باید تکامل را در مورد حیوانات قبول کنیم؟

محوریت نقد شیخ معبود نقد هرمنوتیکی بوده و بر دایره برداشتی که ایشان از آیات قرآن دارند می‌گردد، برداشتی که کاملاً خلقت‌گرایانه بوده و به همین دلیل جایی برای پذیرش تکامل باقی نمی‌ماند.^{۱۲}

۳. اندیشمندی که نظریه داروین را نه کاملاً تأیید و نه کاملاً رد کرده اند

۱.۳ دوره نخست

۱.۱.۳ ابوالمجد محمدرضا نجفی اصفهانی (مسجد شاهی) (استثناء انسان / ۱۸۷۰ م)

اصفهانی عالم شیعی برجسته ایرانی الاصل ساکن عراق بود که در اوایل قرن ۲۰ کتابی در دو جلد به نام نقد فلسفه دارون منتشر کرد. او نسبت به هم‌تایان خود در دنیای اسلام و مسیحیت اطلاع دقیقتری از نظریه تکامل داشته است چرا که به منابع علمی روز دسترسی داشته و آنها را مطالعه نموده است. وی به بحث رابطه بین علم و دین ورود کرده و علم و دین را نافی یکدیگر نمی‌داند بلکه دین را مؤید علوم یقینی می‌پندارد و رابطه‌ای شبیه به تشابه بین آنها برقرار می‌کند. البته آمادگی این را هم دارد که رابطه تمایز بین آنها برقرار نماید چرا که نظر هاکسلی مبتنی بر تمایز علم و دین را می‌پذیرد. او منتقدین داروین که نظریه او را فهم نکرده اند به چالش می‌کشد و تکامل‌گرایان خداباور را همچون لامارک، والاس، هاکسلی را معرفی می‌کند. طبق عقیده اصفهانی نظریه تکامل به استثناء انسان قابل قبول است و آیات قرآن و تورات را با نظریه تکامل هم‌داستان می‌داند. برداشت او از قرآن درباره خلقت انسان اینگونه است که انسان را قوم و خویش میمون و سایر حیوانات نمی‌داند و والاس و فیرخو را هم عقیده خویش می‌پندارد. او در رد تکامل انسان ورود علمی پیدا می‌کند و از شواهد و ادله زیست‌شناسان مطلع است و آن‌ها را بیان می‌کند. درباره انتخاب طبیعی می‌گوید خداوند در اینجا دخالت می‌کند که تحت عنوان "التحسین الالهی" یا "خلقت‌گرایی ضعیف" از آن نام برده می‌شود. او تأکید می‌کند که نظریه تکامل با وجود خالق و خلقت منافاتی ندارد. در برخی از ابعاد و اجزاء نظریه داروین مثل تنازع بقاء و انتخاب جنسی و ... نقدها و تکمله‌هایی زده است.

۲.۳ اندیشمندان دوره دوم

خلال مطالعات به اندیشمندی در این دوره که موضعش نسبت به نظریه داروین نه رد و نه تأیید باشد یافت نشد.

۳.۳ دوره معاصر

۱.۳.۳ مرتضی مطهری (۱۹۱۹م)

مطهری روشی کاملاً متفاوت از سایرین متفکران ایرانی داشته است. او در یک آسیب‌شناسی به این مسأله می‌پردازد که با وجودی که اثبات نظریه تکامل هیچ‌گونه منافاتی با جهان بینی الهی ندارد چگونه این تعارض شکل گرفته و بدان دامن زده شده است. او فلسفه غرب را اینگونه به نقد می‌کشد که خداشناسی ایشان از طریق منفی است، "می‌خواهند خدا را میان مجهولات خود جستجو کنند نه در میان معلومات خود، هر جا که در توجیه یک حادثه درمآندند پای خدا را وسط می‌کشند".^{۱۳} این در حالیست که در میان حکمای اسلامی (که علل طبیعی را در طول علل ماورائی می‌دانند و کشف علوم از پدیده‌ها را به منزله کشف علل معده می‌دانند نه علل تامه، و شناخت علت فاعلی را مکفی از شناخت علت غایی پدیده‌ها نمی‌شمارند و در نهایت تفسیر هستی را وظیفه فلسفه و روش‌های برهانی می‌دانند،) با فرض پذیرفتن تئوری تکامل نمی‌توان انکار خدا یا هدفداری جهان را نتیجه گرفت.^{۱۴} مطهری با بیان اینکه "در عصر ما از نظر علمی مسأله تکامل امری مسلم شناخته شده است" نفی و اثباتا نسبت به آن موضعی نگرفته است و برای حل تعارض برخی ظواهر آیات قرآن با نظریه تکامل به امکان سمبلیک بودن آیات در مواردی همچون خلقت آدم اشاره می‌کند.^{۱۵}

۲.۳.۳ نوح حا میم کلر (۱۹۵۴م) (Nuh Ha Mim Keller)

وی از جمله آن دسته از متفکرانی بر شمرده می‌شود که قائل به استثنا بودن انسان در فرآیند تکامل است. دو دسته کلی نقدهای وی به تکامل انسان را می‌توان شامل نقدهای علمی و نقدها متافیزیکی تقسیم کرد. در بخش نقد علمی کلر در ابتدا بیان می‌دارد که نظریه تکامل نظریه‌ای است که می‌تواند همه چیز را توجیه کند و به همین سبب هیچ شرط ابطال‌پذیری در خود ندارد. وی از این رو نظریه تکامل را اساساً علمی نمی‌داند:

فصل نهم کتاب داروین ... روشن ساخت که از آنچه داروین با عنوان نقص بزرگ نمونه‌های زمین‌شناسی یاد می‌کند می‌توان دریافت که این نظریه از دید اصولی ابطال‌پذیر نبوده در حالیکه برای علمی نامیدن یک نظریه (اگر سخن کسانی چو کارل پوپر را قبول کنیم) می‌بایست احتمال وجود شواهدی در راستای رد نظریه وجود داشته باشد.

جریان‌شناسی تاریخی دیدگاه اندیشمندان ... (محمدکاظم شاه‌آبادی و دیگران) ۷۱

دومین بعد نقد علمی کلر به تکامل انسان این است که شواهد مبتنی بر تحقق تکامل کلان ناقص هستند:

آیا تکامل خرد در داخل یک گونه (که به خوبی مستند به زاد و ولد اسب‌ها، کبوترها، هیبردهای مفید گیاهان و غیره است) را می‌توان به تکامل کلان در میان گونه‌های مختلف تسری داد؟ به عبارت دیگر آیا یک نمونه واقعی از تکامل یک گونه به گونه‌ای دیگر وجود دارد که حالت‌های میانی آن در نمونه‌های فسیلی موجود باشند؟

در نقد متافیزیکی کلر باور دارد که تکامل بواسطه ماهیت مادیگرایانه و تصادفی‌اش فراتر از دایره اسلام است و اگر کسی باور داشته باشد که نمونه‌های غیر انسانی بواسطه انتخاب طبیعی و تصادف بشکل کلان متکامل می‌شوند این امر مستلزم کفر است. همزمان وی می‌گوید نفس باور داشتن به تکامل کلان در مورد گونه‌های غیر انسانی بذاته مستلزم کفر نیست.

همه چیز نشان می‌دهد که طبق قرآن، انسان‌ها بشکل ذاتی - بواسطه منشا آسمانی‌شان در بهشت، بخاطر ماهیت بشکل خاص خلق شده و بخاطر روحی که دارند - در جایگاهی کاملاً متمایز از نظر خداوندی در مقایسه با دیگر موجود زمینی قرار داشته‌اند فارغ از اینکه بدن هایشان قرابت فیزیولوژیکی خاصی به این مساله داشته باشد یا نه، و انتخاب ویژه سازنده‌شان برای خلق بوده‌اند.

بشکل خلاصه کلر باور دارد که غیر انسان‌ها می‌توانند از طریق فرآیند تکامل خلق شده باشند اما انسان بشکل خاص از این فرآیند مستثنی است.^{۱۶}

۳.۳.۳ محمدتقی مصباح یزدی (۱۹۳۵م)

مصباح نیز از شاگردان طباطبائی بوده و همچون وی نظریه تکامل را اثبات شده نمی‌داند و معتقد است نظریه ثبات انواع هنوز ابطال نشده است. مصباح می‌گوید نص قرآن بر خلقت مستقل انسان دلالت دارد او با بیان ضروری نبودن و استثناء پذیر بودن قوانین طبیعی، در صورت اثبات قطعی نظریه تکامل، خلقت انسان را استثناء می‌کند. و به این طریق تعارض میان نظریه تکامل و قرآن را برطرف می‌سازد. مصباح علت رواج سریع نظریه تکامل و مقبولیت آن را فقدان مایه‌ی علمی افراد دانسته و انگیزه پژوهشگرانی چون سحابی را روح مذهبی و علم زدگی اعلام می‌دارد.^{۱۷}

۴.۳.۳ ناصر مکارم شیرازی (۱۹۲۷م) و جعفر سبحانی (۱۹۲۹م)

ناصر مکارم شیرازی و جعفر سبحانی از شاگردان محمدحسین طباطبائی و از علمای دینی صاحب شهرت و تالیفات فراوان، هرچند تکامل را قابل قبول ندانسته و حتی آن را فرضیه می‌نامند اما قائل به ابطال قاطع نظریه تکامل نیز نیستند. ایشان معتقدند که نظریه تکامل با ظاهر آیات قرآن تعارض دارد. همچنین روش‌های علوم طبیعی را مبتنی بر قرائن ظنی و تجربیات دانسته که فاقد قطعیت می‌باشند. مکارم به روش نقل از برخی دانشمندان علوم طبیعی به ابطال نظریه تکامل می‌پردازد و در نهایت همچون سبحانی معتقد است اگر تکامل داروین به قطعیت برسد توجیه و تفسیر آیات قرآن و سازگار نمودن آن با علم، امکان‌پذیر است.^{۱۸} در نهایت تعارضی بین دین و علم قائل نیستند.

۵.۳.۳ یاسر قاضی و نذیر خان (۲۰۱۸) (Yasir Qadhi, and Nazir Khan)

این دو نیز مانند کلر باور به استثنا بودن انسان در فرآیند تکامل هستند با این حال باور دارند که امکان دارد نسبتی میان اسلام و تکامل بشری برقرار شود. نکته کلیدی دیدگاه ایندو به نسبت دیدگاه‌های فلسفی در برابر رئالیسم علمی باز می‌گردد که مبحثی در فلسفه علم شناخته می‌شود و بیان می‌کند تا کجا و چقدر می‌توان به معادلات و نظریات علمی باور داشت. از نظر آنها مشاهدات علمی را می‌توان به دو دسته مستقیم و غیر مستقیم تقسیم کرد. گزاره‌هایی که مبتنی بر مشاهدات مستقیم باشند از نظر تجربی کافی بوده و معادل حقیقت هستند. اما مشاهدات غیر مستقیم برای اینکه از نظر تجربی کافی برشمرده شوند وابسته به امور دیگری از جمله تفسیرها، و استنباطها هستند. برای همین مشاهدات غیر مستقیم از ارزش معرفتی کمتری برخوردار هستند و نمی‌توان آنها را مانند مشاهدات مستقیم در نظر گرفت. برای همین قاضی و خان اظهار می‌کنند که:

حقیقت نامید اموری که منشائی غیر مشاهده ای دارند شدیداً محدود است. (قاضی و خان

(۲۰۱۸، ۱۵)

مبتنی بر این دیدگاه آنها اظهار می‌داند که علم قادر نیست در مورد وجود یا عدم وجود کسی چون آدم سخن بگوید چراکه امکان پسرفت در تاریخ و مشاهده عینی وجود ندارد. بشکل خلاصه قاضی و خان روایت سنتی از خلقت آدم و حوا بر طبق قرآن را می‌پذیرند و حاضر نیستند مداخله علوم طبیعی را در این حوزه تحمل کنند. به همین دلیل در حالیکه قائل

به نظریه استثنا بودن خلقت انسان از فرآیند تکامل هستند این استثنا را به گونه ای تفسیر می کنند که در تقابل با نظریه تکامل نباشد.^{۱۹}

۶.۳.۳ دیوید سلمون جلاجل David Solomon Jalajel (۲۰۰۹)

تنها کسی که تا کنون مدعی شده است که در نظریه تکامل تنها استثنا آدم است دیوید سلمون جلاجل است. بشکل کلی جلال معتقد است که مبتنی بر نظریه اسلام سنی که شامل اشعری، ماتریدی و الاثریه نیازی به رد کردن نظریه تکامل نیست و فقط در این میان یک سوال باقی می ماند و آن نیز خلقت آدم است. نظریه تمامی مسلمین بر این است که آدم بدون پدر و مادر بر اساس یک معجزه خلق شده است و حال این سوال باقی می ماند که چگونه می توان خلقت وی را با نظریه تکامل جمع کرد. او در پاسخ قائل به اصل توقف است. مراد وی از توقف موضع گیری نکردن کلامی در باب موضوعی است چرا که اسلام در باره آن موضوع ساکت است. در چنین صورتی تمامی گزینه های محتمل می تواند با نص دینی اسلامی سازگار باشد. مبتنی بر اصل توقف کلامی است که جلاجل معتقد است که نظریه تکامل در تعارض با اسلام نیست. کسانی که قائل به استثنا بودن انسان در فرآیند تکامل بودند آدم را نخستین انسان روی زمین می دانستند اما جلاجل معتقد است که در هنگام هبوط انسان قرآن در باب اینکه آیا انسان هایی قبل از وی بر روی زمین بودند یا خیر ساکت است. در چنین شرایطی است که باید اصل توقف را اعمال کرد. یعنی هر دو احتمال ممکن است: اینکه قبل از آدم انسان هایی بر زمین زندگی می کردند یا نه.^{۲۰}

۷.۳.۳ علی مشکینی (۱۹۲۱م)

نوع مواجهه مشکینی به نظریه تکامل با رویکر هم‌تایان خود متفاوت است. او در ابتدا این نکته را یادآوری می کند که تکامل هسته و پوسته ای دارد و آنچه برای ما مهم است هسته آن است که در محافل علمی امری مسلم به حساب می آید. وی به اثبات یا رد تکامل نپرداخته است. از منظر دینی نیز به این نکته تاکید دارد که قرآن هیچ کدام از نظریه ثبات یا تکامل را تایید نمی کند بلکه آیات قرآن به چند دسته تقسیم می شوند که برداشت ما از دسته های مختلف می تواند به نفع یا ضرر نظریه ثبات یا تکامل باشد حتی برخی از آیات در دسته ای قرار دارند که

در ظاهر هیچ برداشتی به نفع هیچ کدام از دو نظریه نمی توان داشت. در هر حال اگر به هر کدام از نظریات معتقد شویم تعارضی با آیات قرآن نخواهد داشت.^{۲۱}

۸.۳.۳ عبدالله جوادی آملی (م ۱۹۳۳)

وی معتقد است نظریه تکامل را نباید با نظریه حرکت جوهری اشتباه گرفت^{۲۲} چرا که آنچه با حرکت جوهری ثابت می شود تکامل انواع است نه تحوّل انواع. وی همچنین بر این باور است که فرضیات علمی تنها زمانی قابل استناد می باشند که صبغه تحقیق علمی گرفته باشند و تکیه گاه پژوهشگران فنی قرارگیرند. وی تصریح می کند آنچه از تفکر داروینی و مانند آن برمی آید تنها یک فرضیه ثابت نشده است و بر فرض ثابت شدن چنین فرضیه‌ای هیچگونه منافاتی با توحید و جهان بینی الهی ندارد. درباره ظواهر آیات قرآن می گوید که این آیات دلالت بر آفرینش انسان از عناصر زمینی دارد و چون بر پایه فرهنگ محاوره مردم است حجیت دارند و جریان تحوّل انواع (نظریه داروین) در صورتی که اثبات گردد می توان براساس آن به عنوان دلیل لّبی منفصل، دست به توجیه برخی از ظواهر ظنی ادله نقلی زد. جوادی آملی البته در جایی دیگر می گوید نظریه تکامل هرگز عهده دار اثبات کیفیت پیدایش آدم نیست، تا مایه تصرف در ظاهر متون دینی شود؛ زیرا انسان های فراوانی قبل از آدم به دنیا آمده و منقرض شده اند، ولی آدم از نسل هیچ کدام از آنان نبوده است. دلیلش هم این است که ادله تجربی، لسان اثباتی دارند نه لسان نفی به این معنا که فقط می گویند برخی انسان ها اینگونه به وجود آمده و تکامل یافته اند اما نمی گویند که تنها راه تحقق بشر همین است لذا باید کیفیت پیدایش آدم را که نسل کنونی بشر فرزندان او هستند از بررسی پیدایش انسان اولی جدا کرد. علاوه بر این ارزش دانش تجربی را از ارزش دانش فلسفی یا کلامی که توان دید وسیع دو جانبه نفی و اثبات را دارد بایستی تفکیک نمود. جوادی آملی عوامل مختلفی همچون خلط مسائل ریاضی و تجربی، اشتباه حصر عقلی با حصر ناقص استقرایی، اختلاط امتناع عادی با استحاله عقلی و مرعوب شدن روانی در برابر پیشرفت دانش تجربی را موجب جمودی و رکود درباره تحوّل انواع بیان می کند.

۹.۳.۳ محمد هادی معرفت (م ۱۹۳۱)

وی در ذیل بحث اعجاز قرآن از جنبه علمی می گوید قرآن کتاب هدایت به نور است و اگر در زمینه های دیگر مثل مباحث علمی سخنی گفته است در سایه مباحث هدایتی است و کتاب

علمی نیست. در این بحث به این نکته اشاره می‌کند که اصل حیات از آب است و بر اساس علوم تجربی متقن به اعجاز قرآن می‌رسد. در حاشیه این بحث به نظریه تکامل داروین می‌رسد و می‌گوید ما با علوم تجربی نفیاً و اثباتاً کاری نداریم و اگر علوم قطعیت نداشت قرآن را به آن گره نمی‌زنیم از جمله بحث داروین که قطعیت ندارد و کلیات نظریه را از اسماعیل مظهر نقل قول می‌کند. جالب اینجاست که ایشان قانون جاذبه عمومی را قطعی می‌داند، گویی برای معرفت، جایگاه نظریه تکامل داروین مثل نظریه جاذبه عمومی نیوتن می‌باشد.^{۳۳}

۴. اندیشمندانی که نظریه تکامل داروین را کاملاً تأیید کرده اند

۱.۴ دوره نخست

۱.۱.۴ حسین الجسر (۱۸۴۵م)

جسر از علمای شیعه طرابلس در قرن ۱۹ بوده است. مهمترین کتاب وی الرساله الحمیدیه فی حقیقه الدیانه الاسلامیه و حقیقه الشریعه المحمدیه است. وی نظریه داروین را خوب شناخته و با قبول آن برای جمع بین اسلام و علم تلاش نموده است. او معتقد است که اگر علم قطعی بود آیات را باید تاویل برد و اگر قطعی نبود سکوت کرد. کتاب وی که با روشی فلسفی دینی و در قالب گفتگویی میان مادی‌گرا و مسلمان نوشته شده است می‌گوید دلیلی در قرآن یافت نمی‌شود که تمام گونه‌ها که به فیض الهی موجودند یکباره یا تدریجی خلق شده باشند.

۲.۱.۴ محمد اقبال (Mohammad Iqbal) (۱۸۷۷)

محمد اقبال لاهوری فیلسوف و شاعر شهیر شبه قاره است که وی نیز به دسته چهارم و حامیان بدون استثنای نظریه تکامل تعلق دارد. وی نیز با تبعیت از روش استعاره‌ای مدعی است که آدم یک شخصیت تاریخی واقعی نبوده و بلکه نمادی برای بشریت است:

در افسانه آدم قرآن بعضاً نمادهای باستانی را حفظ می‌کند و افسانه به شکلی تغییر یافته تا معنایی کاملاً جدید در آن دمیده شود. رویه قرآنی تغییر جزئی یا کامل افسانه‌ای و دمیدن ایده‌ها و فکرهای جدید در آن، نکته مهمی است که همواره از سوی دانشجویان و فراگیران مسلمان و غیر مسلمان اسلام مورد غفلت واقع شده است. هدف قرآن از مواجهه با این افسانه‌های به ندرت تاریخی بوده و تقریباً غرض همواره ارائه نگاهی جهانی اخلاقی و یا فلسفی بوده است. (اقبال، ۲۰۱۲، ۶۵)

۳.۱.۴ مصطفی حسنین المنصوری (۱۸۹۰ م)

منصوری پژوهشگری مصری است که دو سال بعد از شیخ محمدرضا اصفهانی کتاب تاریخ سوسیالیسم را نوشت و در بخشی از آن به تکامل پرداخت. وی دارای گرایش سوسیالیستی بود و شناخت مناسبی از نظریه تکامل داشت و ضمن تأیید تکامل از داروین تجلیل می نمود چرا که نقش داروین را در پیشرفت و ایجاد نقطه عطف امور بشری می دانست. از انتخاب طبیعی و نظریه داروین برای رشد جامعه مصر استفاده می کرد وی قائل به عدم تعارض تکامل و دین بود و معتقد بود تکامل گونه های زنده از منشأ مشترک خدا را نفی نمی کند و "چیزی را نمی توان در علوم طبیعی یافت که با دین متعارض باشد بلکه هر چه هست موید دین است"^{۲۴}. او انتخاب طبیعی و نظریه داروین را در چارپوب اندیشه سوسیالیستی می فهمید و از آن برای رشد جامعه مصر استفاده می کرد.

۴.۱.۴ حسن حسین (۱۹۲۴ م)

حسین پژوهشگری مصری است که در سال ۱۹۲۴ کتاب ارنست هکل در موضوع تکامل را با عنوان فصل المقال فی فلسفه النشوء و الإرتقاء به عربی ترجمه کرد. وی که با برخی نظرات هکل موافقت کرد ولی بخش ضد دین و خدا را رد نمود. وی به دو هدف کتاب خداناباورانه هکل را ترجمه کرد یکی اینکه دنیای عرب را با آخرین دیدگاه ها درباره تکامل آشنا کند و دیگری نیاز شدید اعراب به آشنایی با اصول علمی مدرن برای پیشرفت مادی بود. او اسلام را دین تعقل می داند لذا بر این باور است که اگر تعارضی بین شریعت و عقل به وجود بیاید این عقل است که مقدم می شود. در فهم او از نظریه داروین اشکالاتی وجود دارد. از نظر او نظریه داروین در این سه اصل خلاصه می شود: خلقت خودبخودی، تنازع بقاء و انتخاب طبیعی لذا برخی بی مبالاتی و بی دقتی در بیان او وجود دارد. وی که از کتاب نجفی اصفهانی استفاده بسیار نموده است به آیات مراجعه کرده و آنها را با نظریه تکامل مخالف نمی بیند. بر خلاف اسدآبادی و اصفهانی به انگیزه دفاع از دین قلم نزده است بلکه به منظور روشن ساختن اندیشه های علمی دست به ترجمه زده است.

۲.۴ دوره دوم

۱.۲.۴ یدالله سحابی (۱۹۰۶م)

سحابی متفکر ایرانی است که در میانه قرن بیستم به نظریه تکامل پرداخته است. وی با تکیه بر علوم جنین‌شناسی، زیست‌شناسی و زمین‌شناسی از نظریه دفاع می‌کند. سحابی که از پیشگامان زمین‌شناسی در ایران بود نظریه تکامل را به منزله اصل مسلم قبول کرده و از سوی دیگر به آیات قرآن که با بحث مرتبط است می‌پردازد و نشان می‌دهد که با تکامل تعارضی ندارند. با انتشار کتاب خلقت انسان، دیگر اندیشمندان ایرانی به نقد آن پرداختند از این رو کتاب سحابی جایگاه ویژه‌ای پیدا نموده است.

۲.۲.۴ اسرار احمد (۱۹۳۲م) Israr Ahmad

اسرار احمد مفسر فقید اهل کشور پاکستان است که وی نیز در پذیرفتن بدون استثنای نظریه تکامل دیدگاه تمایز میان بشر و انسان را دنبال کرده است. از نظر وی واژه بشر را می‌توان به هر گونه بیولوژیکی وابسته به هومو اطلاق کرد که شامل هموسپین‌ها نیز می‌شود در حالیکه انسان به هموسپین‌هایی خطاب می‌شود که روح در آنها دمیده شده است:

واژه بشر که در آیات (۳۸:۷۱ و ۱۵:۲۸) استفاده شده است به هومو باز می‌گردد که از طبقه موجودات نخستین به شمار می‌آیند که طبق نظریه تکامل انسان‌های مدرن (هوموسپین‌ها) استمرار امروزی آنان هستند. گفته می‌شود که طبقه هومو برای دو میلیون سال زیسته است تا انسان مدرن نخستین در دوره فوق پارینه‌سنگی ظاهر شده است. به این ترتیب، بشر را می‌توان هومونید (یا هومونوئید) دانست که دسته نخستین از موجوداتی است که شامل انسان (تنها بخاطر بدن زنده فیزیکی که پیش از دمیده شدن روح در آن وجود داشته)، اجداد فسیلی ایشان و موجودات دوپا می‌شود. (احمد، ۲۰۱۳، ۴۶)

وی اینگونه ادامه می‌دهد:

قرائن بسیار قوی‌ای در قرآن وجود دارند که آدم از میان بشر برگزیده شده بود و وی زمانی آدم شد که خدا از روح خویش در او دمید؛ حقیقتی ازلی که تکامل‌گرایان خداناباور چشمان خویش را بر روی آن می‌بندند.^{۲۵}

۳.۴ دوران معاصر

۱.۳.۴ کنز تاسلمان (۱۹۶۸م) Caner Taslaman

فیلسوف ترکیه ای تاسلمان ابعادی تازه از آنچه تحت عنوان لادری گری کلامی از آن یاد می شود ارائه می کند، چیزی شبیه به آنچه جلاجل تحت عنوان توقف از آن یاد کرد. با این تفاوت که جلاجل این توقف را به مرحله پیش از آدم ارجاع می دهد و تاسلمان این لادری گری را به خود آدم نیز نسبت می دهد. وی باور دارد که طبق نص دینی اسلام تکامل را حتی در نسبت با خود آدم نه می توان تایید کرد و نه رد. برای این مدعا وی سه نکته را مطرح می سازد. نخست آنکه وی احادیث مخالف با تکامل را به دلیل ضعیف بودن این احادیث و انتسابشان به اسرائیلیات باطل می شمارد. وی تاکید می کند که اصول عقاید باید مبتنی بر احادیث قوی یا متواتر باشند حال آنکه ماجرای خلقت در احادیث ضعیف و آحاد بیان شده است. به همین دلیل است که از نظر وی تنها محتوای قرآنی می بایستی برای برای یافتن نسبت نظریه تکامل با اسلام مد نظر قرار گیرد. نکته دوم این است که آیات قرآنی مربوط به تکامل قابل تفسیر هستند. برای مثال تاسلمان با اشاره به تشابه آدم و عیسی که در قرآن بدان اشاره شده بیان می دارد که این تشابه خلقت اعجاز گونه آدم را نفی می کند برای اینکه عیسی از مادر و بشکل زایمان طبیعی دنیا آمد و پس می بایستی آدم هم از مادری دنیا آمده باشد. در مرحله سوم وی دیدگاه لادری گرانه نسبت به معجزه را بیان می دارد. وی اظهار می کند که قرآن در مورد ماهیت معجزه ساکت است و مومنان هم از انگیزه های الهی مطلع نیستند. مجموعه این موارد باعث می شود که وی موضعی لادری گرانه نسبت به معجزه اتخاذ کند:

باورمندان به دین می توانند متفق القول باشند که مداخلات الهی می تواند با و بدون خلل در قوانین طبیعی رخ بدهد. هر موضعی از این دو را که اتخاذ کنیم موضع دیگر می تواند محتمل باقی بماند. یک مسلمان نمی تواند مدعی شود که خداوند قادر نیست گونه هایی را با خرق قوانین طبیعی خلق کند کما اینکه نمی تواند ادعا کند که خداوند قادر نیست گونه هایی را بدون خرق قوانین طبیعی خلق کند. هر دو گزینه محتمل هستند و از آنجا که ما نسبت به انگیزه های الهی نقص معرفتی داریم، می بایستی در مورد اینکه کدام یک واقعی است موضعی نگیریم.^{۲۶}

۲.۳.۴ عبدالکریم سروش (۱۹۴۵م)

سروش در سلسله گفتارهایی در بروکسل که به نقد کتاب توهم خدا، نوشته ی ریچارد داوکینز پرداخته است با اذعان به اینکه تکامل یک نظریه ای است که میان جامعه ی دانشمندان مورد احترام و اعتبار است و دیگران نفیا و اثباتا نمی توانند نظری درباره آن داشته باشند این نظریه را صراحتاً معتبر دانسته و آن را به عنوان یک نظریه علمی تأیید شده باوردارد و می گوید اگر وضعی در این نظریه است نباید با خداشناسی آن را مرتفع کرد چرا که این کار ما را به اعتقاد به "خدای رخنه ها" یا "خدای خلأها" سوق می دهد. مشکل این کار آنجاست که اگر پس از مدتی به وسیله علم، آن خلأ پوشانده شد خدای ما از کار برکنار می شود که در طول تاریخ دعوای علم و دین این امر تکرار شده است و عقب نشینی دین درمقابل علم بر اساس جهل علمی بوده است. بنابر این باید ضعف یک تئوری علمی را با تئوری علمی دیگر پوشانند. سروش البته تاکید می کند که پذیرش نظریه تکامل هیچ منافاتی با خداشناسی و دینداری ندارد. مسائل ثبات منظومه شمسی و خدای نیوتن که هنوز مشککش حل نشده است.

او با اشاره به کتاب ویلیام پالی به نام خداشناسی طبیعت گرایانه بیان می دارد که این گونه خداشناسی در مقابل خداشناسی مبتنی بر کتاب مقدس است. خداشناسی مبتنی بر دانش های طبیعی همان چیزی است که از قدیم در الهیات اسلامی به آن برهان نظم یا ایتقان صنع گفته می شود. این کتاب کمی قبل از کتاب تئوری انواع داروین منتشر شد که در آن به اثبات برهان نظم می پرداخت. با انتشار نظریه داروین این کتاب به محاق رفت و دعوای بین کلیسا در اثبات وجود خدا به وسیله برهان نظم با داروین و طرفدارانش رونق گرفت. داروین درباره خدا نظریه قاطعی بیان نکرده و خود او در این زمینه مردد بوده است و حداکثر یک شکاک بوده و مطلقاً هم مهم نیست صاحب یک نظریه عقایدش چه چیز می باشد. داروین یک طرفدار بسیار متعصب به نام تامس هاکسلی داشت و این فکر او معروف است که می گوید پنجال طبیعت به خون مردم آغشته است و نظر به خوب و بد نداشته است. او به دنبال داروینیزم اجتماعی بوده است که ضعیف کشی کار طبیعت بوده است و در جامعه هم هیچ اشکالی ندارد. داروینیزم اجتماعی پشتوانه فاشیزم قرار گرفت. هاکسلی در پاسخ به کسی که با او به مناظره نشست بود گفت مهم نیست پدر یا مادر من میمون بوده باشد مهم این است که کسی در مقابل من نشسته که حقیقت را انکار می کند.

۳.۳.۴ داوود عبدالفتاح باتچیلر Daud Abdul-Fattah Batchelor

عبدالفتاح (۲۰۱۷م) که اندیشمندی مالزیایی است که در استمرار تلاش برای تفسیرهای تکاملی از قرآن، تفسیری متمایز از آیه ذیل ارائه می‌کند:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا
وَسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا (النساء / ۱)

وی اظهار می‌دارد که اشاره به نفس واحده در این آیه ممکن است اشاره به دوقلوهای تک تخمکی داشته باشد و شاید این تخم بارور بواسطه جهش‌های ژنتیکی خاص به دوقلوهای مونت و مذکری تبدیل شده باشد که همان آدم و حوا هستند.^{۲۷}

۵. نتیجه‌گیری

با نگاهی به سیر تطور آراء اندیشمندان مسلمان در قبال نظریه داروین، خلال بیش از ۱۶۰ سال گذشته، اولین استنباطی که می‌توان کرد این است که هر سه موضع یاد شده در قبال نظریه تکاملی داروین و تقریباً در همه دوره‌های زمانی، قائلینی داشته و کماکان دارد. به بیان دیگر همچنان نقاش و بحث علمی پیرامون این نظریه ساری و جاری بوده و اینگونه نیست که نظریه داروین دیدگاهی باشد که در زمان گذشته، مطرح گشته و مناقشات مکفی در قبال آن صورت گرفته باشد و اکنون دیگر جایی برای بحث و نظر نداشته باشد. از دیگر سو نگاهی به حیات این نظریه در حوزه‌های مختلف بیانادانشی نیز روشن می‌سازد که ریشه بسیاری از اندیشه‌های جدید در حوزه‌های علوم انسانی مانند جامعه‌شناسی، فلسفه سیاست، انسان‌شناسی و ... در ارتباط با این نظریه‌ی زیست‌شناسی قرار دارند و به همین جهت، همزمان با توسعه دانش در دیگر حوزه‌ها، ارجاع به این نظریه‌ی زیست‌شناسی و بازنگری در آن باعث شده نه تنها بحث و جدل علمی در باره این نظریه کاهش نیابد بلکه حتی به تعبیری، فزونی نیز داشته است.

علاوه بر این، سیر تطور اندیشه در فضای علمی نشان می‌دهد که برداشت اشتباه از تقریر دقیق نظریه‌ی داروین و فهم این تئوری، رفع گشته و در دوران معاصر کمتر اندیشمندی در تقریر اصل نظریه دچار خطاهایی شده که اندیشمندان نسل نخستین دچارش بودند.

با در نظر گرفتن شاخص فراوانی، بیشترین فراوانی از آن اندیشمندانی است که در دوران معاصر قرار داشته و موضعی نسبی و بینابینی در قبال نظریه داروین اتخاذ کرده‌اند (جدول ۱). از این رو به نظر می‌رسد نظریه در روند تاریخی خود در جهت برتری این دیدگاه میانه‌ای سوق

پیدا کرده است که آن، اتخاذ موضعی نه کاملاً سلبی و نه کاملاً ایجابی در قبال نظریه تکامل می باشد. این موضع نسبی و بینابینی به مرور زمان دقیق تر گشته و نظریات مختلفی برای جمع میان اندیشه های اسلامی و نیز نظریه داروین ارائه گشته است. لذا می توان اینگونه نتیجه گرفت که سیر تطور زمانی به نفع آرا آن دسته از اندیشمندانی است که قائل به نه تأیید کامل و نه رد کامل نظریه تکامل هستند و تلاش دارند در این بین سازگاری میان مبانی اندیشه اسلامی و نظریه داروین ارائه کنند. اندیشمندان مسلمان از رویکردی کاملاً مدافعه گرایانه (نسبت به دین) در مقابل نظریه داروین به نگرشی علمی تر تغییر موضع داده اند و تلاش کرده اند تا با ارائه دیدگاه هایی چون استثنا بودن انسان یا استثنا بودن حضرت آدم و یا حتی دیدگاه های تفسیری جدید، این تعارض ظاهری را رفع نمایند.

بنظر می رسد دلیل این تفوق اندیشه ای، جایگاهی است که نظریه داروین در فضای علمی جهان خلال ۱۶۰ سال گذشته کسب کرده است و پیشرفت هر روزه علم نه تنها از اعتبار علمی این نظریه نه کاسته که بر آن افزوده است.

ضروری است به این نکته توجه شود که همانگونه که پیشرفت های علمی مویید نظریه داروین بوده اند اما از دیگر سو، جریان تحول علمی گونه گون در دو قرن اخیر همیشه فرصت طرح نظریات بنیادینی که بتواند نظریه تکامل را نیز دگرگون سازد باز گذاشته است و به همین دلیل، دیدگاهی که همسویی کامل با نظریه تکامل داشته باشد نیز طرفداران چندانی در دوران معاصر برای خویش نیافته است. بطور مثال وقتی نظریات کامل تجربی و عینی مانند قوانین نیوتن خلال قرن بیستم با به میان آمدن نظریات فیزیک کوانتم به چالش کشیده شدند، طرح نظریاتی که دیدگاه داروین را به چالش بکشد بسیار محتمل به نظر می رسد.

جدول ۱. لیست اندیشمندان مسلمان به تفکیک دیدگاه در قبال نظریه داروین و دوره زمانی

نام اندیشمند	دوره زمانی	موضع نسبت به نظریه داروین
جمال الدین اسد آبادی	نخست	رد کامل
بلاغی		
محمد علی ستقری	دوم	
محمد سعید رمضان البوتی		
محمد شهاب الدین ندوی	معاصر	
سید حسین نصر و عثمان بکر مظفر اقبال		

ابوالمجد محمدرضا نجفی اصفهانی	نخست	نه رد و نه تایید
-	دوم	
مرتضی مطهری	معاصر	
نوح حامیم کلر		
محمد تقی مصباح یزدی		
ناصر مکارم شیرازی و جعفر سبحانی		
یاسر قاضی و نذیر خان		
دیوید سلمون جلاجل		
علی مشکینی		
محمد هادی معرفت		
عبدالله جوادی آملی		
محمد علی رضایی اصفهانی		
حسین الجسر	نخست	تایید کامل
محمد اقبال		
مصطفی حسنین المنصوری		
حسن حسین	دوم	
یدالله سحابی		
اسرار احمد		
کنز تاسلمان	معاصر	
عبدالکریم سروش		
داوود عبدالفتاح		

پی‌نوشت‌ها

۱. در دهه سوم از قرن بیستم توسعه علم ژنتیک در کنار یافته‌های باستان‌شناسانه و فسیلی و نیز یافته‌های بشری در باب عمر زمین مبتنی بر اکتشاف رادیو اکتیویته زمینه‌های علمی پذیرش نظریه داروین را تقویت کرد. (رک. اسلام و تکامل، شعیب احمد ملک، ص ۴۵)
۲. اسدآبادی، جمال الدین، نیچریه یا مادی‌گری، ص ۱۳ و ۱۴، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، بی تا.
۳. مواجهه با داروین ص ۱۶۵

4. Al-Būṭī, Muḥammad Saʿīd Ramaḍān. 2017. The Greatest Universal Sureties: The Creator's Existence and The Creature's Function. trans. by Nicholas Walter Mogiliansky Lock. Damascus: Dār al-Fikr

جریان‌شناسی تاریخی دیدگاه اندیشمندان ... (محمد کاظم شاه آبادی و دیگران) ۸۳

5. Nadvi, Muhammad Shahabuddin. 1998. *Evolution or Creation?* trans. by Maqbool Ahmed Siraj. Bangalore: Furqania Academy Trust.
6. Bakar, Osman. 1984. "The Nature and Extent of Criticism of Evolutionary Theory." In Osman Bakar, ed. *Critique of Evolutionary Theory: A Collection of Essays*. Kuala Lumpur: The Islamic Academy of Science and Nurin Enterprise, 123–152.
7. Nasr, Seyyed Hossein. 2006. "On the Question of Biological Origins." *Islam and Science*, 4(2): 181–197.
8. Iqbal, Muzaffar. 2003. "Biological Origins: Traditional and Contemporary Perspectives." *Islamic Herald*. Accessed 1st of October 2019. Available at: http://saif_w.tripod.com/curious/evolution/muz/biological_origins.htm

۹. المیزان ج ۱۶ ص ۲۶۹

۱۰. المیزان ج ۱۶ ص ۲۷۰

11. Gardner, Vika, E. Carolina Mayes, and Salman Hameed. 2018. "Preaching Science and Islam: Dr. Zakir Naik and Discourses of Science and Islam in Internet Videos." *Die Welt Des Islams*, 58: 57–391.
12. Mabud, Shaikh Abdul. 1992. *Theory of Evolution: Assessment from the Islamic Point of View*. Cambridge: Islamic Academy.

۱۳. مقالات فلسفی ص ۴۶

۱۴. احد فرامرز قراملکی، موضع علم و دین در خلقت انسان، ص ۱۴۳

۱۵. مجموعه آثار ج ۱، ص ۵۱۴ و ۵۱۵

16. Keller, Nuh Ha Mim. 2011. *Sea Without Shore: A Manual of the Sufi Path*. Amman: Sunna Books

۱۷. مصباح معارف قرآنی درس ۳۳ و خلقت انسان از نظر قرآن ص ۹ و ۲۵

۱۸. فیلسوف نماها ص ۲۷۱ ناصر مکارم شیرازی / سبحانی جعفر داروینیسیم یا تکامل انواع ص ۲۰

19. Qadhi, Yasir, and Nazir Khan. 2018. "Human Origins: Theological Conclusions and Empirical Limitations." *Yaqeen Institute*. Accessed 19th of August 2020. Available at: <https://yaqeeninstitute.org/nazir-khan/human-origins-theologicalconclusions-and-empirical-limitations/>

20. Jalajel, David Solomon. 2009. *Islam and Biological Evolution: Exploring Classical Sources and Methodologies*. Western Cape: University of the Western Cape.

۲۱. علی مشکینی، تکامل در قرآن ص ۱۵ تا ۱۷

۲۲. تسنیم، ج ۳ و ۱۴، چاپ دوم، قم، نشر اسراء

۸۴ پژوهش‌های علم و دین، سال ۱۴، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲

۲۳. معرفت محمدهادی، التمهید ج ۶ ص ۳۲

۲۴. مصطفی المنصوری، تاریخ المذاهب الاشرکيه، ص ۸۳

25. Ahmad, Israr. 2013. The Process of Creation: A Qur'anic Perspective. trans. by Absar Ahmad. Lahore: Shirkat Printing Press.

26. Taslaman, Caner. 2020. Can a Muslim Be an Evolutionist? Istanbul: Istanbul Yayınevi.

27. Batchelor, Daud Abdul-Fattah. 2017. "Adam and Eve's Origin: A Theory Harmonising Scientific Evidence With the Qur'anic Text." Theology and Science, 15(4): 490-508.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

اسدآبادی، جمال الدین، نیچریه یا مادی گری، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، بی تا.

اسلامی، سید حسن، اندیشه نامه علامه بلاغی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۸۶.

اسلامی، سید حسن، مطهری و فلسفه دین، به کوشش رضا اکبری، تهران، بنیاد علمی و فرهنگی علامه مرتضی مطهری، ۱۳۹۵

تاریخ علم، دوره ۱۶، شماره بهار و تابستان ۱۳۹۷

جعفر سبحانی، داروینیسیم یا تکامل انواع، نشر مؤسسه امام صادق ع، قم، ۱۳۸۶.

جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، چاپ دوم، قم، نشر اسراء

خسروپناه، عبدالحسین، کلام جدید، مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه ی علمیه، ۱۳۸۱، قم.

رضائی، محمدعلی، پژوهشی در اعجاز قرآن، چاپ سوم، قم، نشر کتاب مبین، ۱۳۸۱

طباطبائی، سید محمدحسین، تفسیرالمیزان

عادل زیادات، مواجهه با داروین، ترجمه امیرمحمد گمینی، نشر کرگدن، تهران، ۱۳۹۶.

فرامرزی قراملکی، احد، موضع علم و دین در خلقت انسان، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، ۱۳۷۳.

مشکینی، علی، تکامل در قرآن، نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۳.

مصباح یزدی، محمدتقی، خلقت انسان در قرآن، شفق، قم، بی تا.

مصباح یزدی، محمدتقی، معارف قرآنی، در راه حق، قم، ۱۳۲۷

مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج اول، انتشارات صدرا، چاپ ششم، زمستان ۱۳۷۴

مطهری، مرتضی، مقالات فلسفی، انتشارات صدرا، چاپ هشتم، شهریور ۱۳۸۴

معرفت، محمدهادی، التمهید، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، قم، ۱۳۸۶.

مکارم شیرازی، ناصر، فیلسوف نماها، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.
المنصوری، مصطفی، تاریخ المذاهب الاشتراکیه

- Al-Būṭī, Muḥammad Saʿīd Ramaḍān. 2017. *The Greatest Universal Sureties: The Creator's Existence and The Creature's Function*. trans. by Nicholas Walter Mogiliansky Lock. Damascus: Dār al-Fikr.
- Malik, Shoaib. 2021. "Islam and evolution, Al-Ghazali and the modern evolutionary paradigm", *Muslims opinion on evolution*, p119. Also: Nadvi, Muhammad Shahabuddin. 1998. *Evolution or Creation?* trans. by Maqbool Ahmed Siraj. Bangalore: Furqania Academy Trust.
- Bakar, Osman. 1984. "The Nature and Extent of Criticism of Evolutionary Theory." In Osman Bakar, ed. *Critique of Evolutionary Theory: A Collection of Essays*. Kuala Lumpur: The Islamic Academy of Science and Nurin Enterprise.
- Nasr, Seyyed Hossein. 2006. "On the Question of Biological Origins." *Islam and Science*.
- Iqbal, Muzaffar. 2003. "Biological Origins: Traditional and Contemporary Perspectives." *Islamic Herald*. Accessed 1st of October 2019. Available at:
http://saif_w.tripod.com/curious/evolution/muz/biological_origins.htm
- Malik, Shoaib. 2021. "Islam and evolution, Al-Ghazali and the modern evolutionary paradigm", *Muslims opinion on evolution*, p121. Also watch:
<https://www.youtube.com/watch?v=anOJpVL3EkQ>
- Qadhi, Yasir, and Nazir Khan. 2018. "Human Origins: Theological Conclusions and Empirical Limitations." *Yaqeen Institute*. Accessed 19th of August 2020.
- Jalajel, David Solomon. 2009. *Islam and Biological Evolution: Exploring Classical Sources and Methodologies*. Western Cape: University of the Western Cape.
- Ahmad, Israr. 2013. *The Process of Creation: A Qur'ānic Perspective*. trans. by Absar Ahmad. Lahore: Shirkat Printing Press.
- Taslaman, Caner. 2020. *Can a Muslim Be an Evolutionist?* Istanbul: Istanbul Yayınevi.